



# برنامه

## سازمان فدائیان (اقلیت)

مصوب کنفرانس اول سازمان فدائیان (اقلیت) - ۱۳۶۶

با اصلاحات کنفرانس هیجدهم سازمان - ۱۴۰۰

## برنامه سازمان فدائیان (اقلیت)

سازمان فدائیان (اقلیت) که مدافع منافع طبقه کارگر به‌طور اخص و از موضع طبقه کارگر، مدافع منافع عموم توده‌های زحمتکش ایران است، اهداف و مقاصد خود را آشکارا به‌صورت یک برنامه اعلام می‌دارد. این برنامه که در حقیقت کیفرخواست کارگران ایران علیه نظام مبتنی بر ستم و استثمار سرمایه‌داری و سند محکومیت قطعی این نظام محسوب می‌شود، در عین حال، اعلان جنگ نهایی به تمام سرمایه‌داران و کلیه مرتجعینی است که مدافع وضعیت فلاکت‌بار کنونی و نظام مبتنی بر بردگی کار مزد بگیری هستند. سازمان فدائیان (اقلیت) به‌منظور تحقق این اهداف که چیزی جدا از اهداف و منافع طبقه کارگر نیست، عموم کارگران و زحمتکشان استثمارشده و ستمدیده ایران را به تشکل و اتحاد حول این برنامه فرامی‌خواند.

۱- توسعه مبادله بین‌المللی و تولید برای بازار جهانی، آن‌چنان مناسبات نزدیکی میان تمام ملت‌های جهان به وجود آورده است که جنبش‌های بخش کبیر پرولتاریا، به ناگزیر می‌بایستی بین‌المللی شود و از مدت‌ها پیش نیز بین‌المللی شده است.

سازمان فدائیان (اقلیت) به عنوان ادامه دهنده راه حزب کمونیست ایران که در سال ۱۲۹۹ تأسیس گردید و یگانه سازمان طبقاتی انقلابی کارگران ایران بود، خود را گردانی از ارتش جهانی پرولتاریا و بخشی از جنبش کمونیستی جهانی می‌داند و برای همان هدف نهایی مبارزه می‌کند که کمونیست‌های سراسر جهان. این هدف نهایی به‌وسیله خصلت جامعه سرمایه‌داری و روند توسعه آن تعیین گشته است.

۲- شیوه تولید سرمایه‌داری که وجه مشخصه اصلی آن تولید کالایی بر اساس روابط تولید سرمایه‌داری است و در آن مهم‌ترین و اساسی‌ترین بخش وسایل تولید و مبادله به اقلیتی محدود تعلق دارد، درحالی‌که اکثریت جمعیت مرکب از پرولتاریا و نیمه پرولتاریا بنا به موقعیت اقتصادی خود ناگزیرند به‌طور مداوم یا متناوب نیروی کار خود را به سرمایه‌داران بفروشند و استثمار شوند و با کار خود درآمد طبقات ثروتمند را به وجود آورند، با تحولاتی که در آغاز دهه چهل در ایران به وقوع پیوست، مسلط شد.

۳- این تحولات که در یک روند رشد تدریجی و طولانی مناسبات تولید کالایی، به شکلی بوروکراتیک و از بالا و نیز نیاز بازار جهانی سرمایه صورت گرفت، مناسبات تولید کالایی را تا اقصا نقاط کشور بسط داد. ایران که تا پیش از رفرم‌های اوایل دهه چهل، به عنوان تولیدکننده محصول واحد نفت در تقسیم‌کار بازار جهانی سرمایه جای گرفته بود، از این‌پس به نحوی همه‌جانبه‌تر در اقتصاد جهانی ادغام گردید و به آن وابسته شد.

۴- مسلط شدن شیوه تولید سرمایه‌داری در ایران که با صدور روزافزون سرمایه انحصارات بین‌المللی، گسترش صنعت نوین و استفاده از تکنیک‌های جدید همراه بوده است، به‌طور مداوم منجر به از میدان بیرون رانده شدن مؤسسات کوچک به‌وسیله مؤسسات بزرگ‌شده است. تولیدکنندگان کوچک که یارای مقاومت در برابر مؤسسات بزرگ را ندارند، دائماً خانه‌خراش می‌شوند، برخی به پرولتاریا تبدیل می‌گردند، نقش دیگران در عرصه اقتصادی و اجتماعی محدودتر می‌شود و در پاره‌های موارد به نحو مشقت باری به سرمایه وابسته می‌گردند.

۵- به رغم موانع و محدودیت‌هایی که سرمایه‌داری ایران در مورد اشتغال زنان ایجاد نموده است، پیشرفت‌های تکنیکی که سرمایه‌داران را قادر می‌سازد به نحو فزاینده‌ای از کار زنان و کودکان در روند تولید و مبادله استفاده کنند، سبب شده است که مدام تقاضا برای نیروی کار از عرضه آن عقب بماند، وابستگی کارگر مزدبگیر به سرمایه افزایش یابد و سرمایه‌داران امکان بیشتری بیابند تا درجه استثمار کارگران را بالا ببرند. قدرت جذب بسیار محدود نیروی کار در سرمایه‌داری ایران، این روند را تشدید کرده است. از این‌رو وجود یک ارتش بزرگ از بیکاران سبب شده است که کارگران با عرضه ارزان نیروی کار خود، در معرض ستم و استثمار شدیدتری قرار گیرند و سطح استثمار آن‌ها فوق‌العاده افزایش یابد.

۶- بحران‌های اقتصادی که در نتیجه تضادهای ذاتی سرمایه‌داری به نحو اجتناب‌ناپذیری به‌طور ادواری بروز می‌کنند و در ایران به علت ساختار به شدت نامتوازن و وابستگی اقتصادی، به‌طور مداوم و کم‌سابقه‌ای تشدید می‌شوند و طولانی‌تر می‌گردند، روند افزایش بیکاری را باز هم شدت بیشتری می‌بخشند. بحران‌ها و دوره‌های رکود، از یکسو خانه‌خراشی تولیدکنندگان خرد را تشدید می‌کنند و از سوی دیگر باعث افزایش وابستگی کارگر مزدبگیر به سرمایه می‌شوند و با سرعت بیشتری منجر به وخامت نسبی و گاه مطلق وضعیت طبقه کارگر می‌گردند. فقر و بدبختی، عدم اعتماد به آینده و

فقدان تأمین اجتماعی به نحو روزافزونی بیشتر می‌شود و نابرابری و شکاف میان ثروتمندان و تهیدستان مدام عمیق‌تر و وسیع‌تر می‌گردد.

۷- از این رو به همان نسبت که تضادهای ذاتی سرمایه‌داری رشد می‌کنند و تشدید می‌شوند، بر نارضایتی و اعتراض کارگران افزوده می‌شود، قدرت و همبستگی آن‌ها افزایش می‌یابد، مبارزه آن‌ها با استثمارگران تشدید می‌شود و تلاش برای رهایی از یوغ تحمل‌ناپذیر سرمایه بیشتر می‌شود. در عین حال روند توسعه سرمایه‌داری با تمرکز بخشیدن به وسایل تولید و مبادله و اجتماعی کردن روند کار در مؤسسات سرمایه‌داری، به‌طور مداوم امکان مادی جایگزینی روابط تولید سوسیالیستی را به‌جای روابط تولید سرمایه‌داری، به‌عبارت‌دیگر شرایط مادی انقلاب اجتماعی را که هدف نهایی تمام فعالیت‌های کمونیست‌هاست، هرچه بیشتر فراهم می‌سازد.

۸- انقلاب اجتماعی پرولتاریایی با لغو مالکیت خصوصی، جایگزین کردن مالکیت اجتماعی به‌جای مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله، تولید اجتماعی سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی‌شده تحت مدیریت کارگری، لغو کار مزدی و دگرگونی تمام مناسبات اجتماعی موجود، به نابرابری اجتماعی، استثمار انسان از انسان و تقسیم جامعه به طبقات پایان خواهد بخشید و بدین ترتیب تمام بشریت ستمدیده را آزاد خواهد کرد.

- انقلاب اجتماعی نه فقط برای پایان بخشیدن به تضاد خصمانه میان انسان‌ها ضروری است، بلکه به تضاد خصمانه میان انسان و طبیعت، بحران زیست محیطی که جامعه سرمایه‌داری آن را به نهایت خود رسانده و اکنون به یکی از معضلات بزرگ بشریت تبدیل شده است، نیز، پایان خواهد داد.

۹- شرط لازم برای انقلاب اجتماعی، دیکتاتوری پرولتاریا یعنی کسب آن قدرت سیاسی است که طبقه کارگر را قادر می‌سازد مقاومت استثمارگران را درهم شکند، وسیع‌ترین دموکراسی را برای کارگران و زحمتکشان تأمین نماید، تمام موانعی را که بر سر راه هدف بزرگش قرار دارد از میان بردارد و به تجدید سازمان‌دهی سوسیالیستی جامعه بپردازد.

۱۰- رهایی طبقه کارگر تنها به دست خود طبقه کارگر میسر است. چراکه تمام طبقات دیگر جامعه علیرغم اختلاف منافع که با خود دارند، همگی خواهان حفظ شالوده‌های نظام سرمایه‌داری‌اند.

۱۱- سازمان فدائیان (اقلیت) وظیفه خود می‌داند که تضاد آشتی‌ناپذیر میان کارگران و سرمایه‌داران را برملا سازد، اهمیت تاریخی و شرایط لازم برای انقلاب اجتماعی را به پرولتاریا توضیح دهد و چارناپذیری موقعیت توده‌های زحمتکش و استثمارشده دیگر را در جامعه سرمایه‌داری و نیز نیاز به یک انقلاب اجتماعی را برای رهایی آن‌ها از یوغ سرمایه آشکار سازد.

- سازمان فدائیان (اقلیت) تمام توده‌های زحمتکش و استثمارشده را تا آنجا که موضع پرولتاریا را اتخاذ می‌کنند به صفوف خود فرامی‌خواند.

- سازمان فدائیان (اقلیت) خود را موظف می‌داند که در راه تشکیل حزب کمونیست ایران که قادر باشد مبارزه طبقاتی پرولتاریا را در تمام اشکال تجلی آن تا نیل به هدف نهایی رهبری کند، تلاش ورزد.

۱۲- سرمایه‌داری جهانی حدوداً از آغاز قرن بیستم به مرحله امپریالیسم گام نهاده که بالاترین مرحله در تکامل سرمایه‌داری است.

- امپریالیسم آن مرحله از تکامل اقتصادی نظام سرمایه‌داری است که در آن انحصارات نقش تعیین‌کننده یافته‌اند، سرمایه بانکی با سرمایه صنعتی ادغام شده است، صدور سرمایه به کشورهای خارجی ابعاد عظیمی به خود گرفته است و تمام جهان از نظر سیاسی- اقتصادی، میان کشورهای امپریالیست تقسیم شده است.

- در این مرحله از تکامل سرمایه‌داری، جنگ‌های امپریالیستی که بارزترین نمونه آن جنگ‌های جهانی اول و دوم، جنگ‌های منطقه‌ای و نیابتی، بوده است، برای تجدید تقسیم بازارهای جهان، کسب بازارهای جدید، تسلط بر جهان و انقیاد ملل عقب‌مانده، اجتناب‌ناپذیر شده است.

- سطح فوق‌العاده بالای تکامل سرمایه‌داری، تمرکز بسیار عالی تولید که روند اجتماعی شدن تولید را به‌حد اعلای خود رسانده است، سلطه انحصارات و سرمایه مالی، فجایع و خطرات زیست محیطی بزرگی که سرمایه‌داری به بار آورده و طبیعت و بشریت را مورد تهدید جدی قرار داده است، رشد میلیتاریسم، خطرات و فجایع جنگ‌های امپریالیستی، موانع عظیمی که امپریالیسم بر سر راه مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر پدید آورده است، افزایش هزینه‌های زندگی و فشارهای ناشی از آن، فقر، فلاکت و عدم اعتماد به آینده، همه این عوامل، مرحله کنونی سرمایه‌داری را به عصر انقلاب‌های اجتماعی پرولتاریایی تبدیل کرده است. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در روسیه، بارزترین نمود آن بود.

- تنها انقلاب سوسیالیستی پرولتاریایی می‌تواند بشریت را از شر جنگ‌ها و تمام مصائبی که امپریالیسم به بار آورده است، نجات دهد.

۱۳- فرارسیدن عصر انقلاب‌های پرولتاریایی، امر آماده نمودن همه‌جانبه پرولتاریا را برای کسب قدرت سیاسی، برانداختن نظام سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم به وظیفه میرم روز تبدیل نموده است. انجام این وظیفه، مبارزه همه‌جانبه‌ای را علیه تمام اشکال اپورتونیزم و گسست قطعی از آن‌ها را می‌طلبد که به صورت مختلف مواعی بر سر راه رشد مبارزه طبقاتی، رسالت تاریخی، هدف نهائی و اتحاد و همبستگی بین‌المللی پرولتاریا محسوب می‌گردند.

بارزترین نمونه تحریف بورژوائی سوسیالیسم، سوسیال - دمکراسی و دیگر جریانات اپورتونیزم - رفرمیست و ریویزیونیست‌اند که با نفی نظری یا عملی دیکتاتوری پرولتاریا، لزوم الغاء مالکیت خصوصی و انکار عصر کنونی به‌عنوان عصر انقلابات پرولتاریایی، مارکسیسم - لنینیسم را نفی و تحریف نموده و سیاست سازش طبقاتی با بورژوازی را در پیش گرفته‌اند. کلیه این جریانات بورژوائی در صف ضدانقلاب جای دارند. - انقلاب اجتماعی ایران جزئی از انقلاب جهانی پرولتاریایی سوسیالیستی محسوب می‌گردد.

\* کمونیست‌های کشورهای مختلف در راه رسیدن به هدف نهائی مشترک خود که توسط غلبه شیوه تولید سرمایه‌داری در سراسر جهان معین شده است، ناگزیر از اتخاذ وظائف فوری غیر متشابه‌اند، زیرا سرمایه‌داری در تمام کشورها به یک درجه توسعه‌نیافته و در کشورهای مختلف، در محیط سیاسی و اجتماعی گوناگونی توسعه می‌یابد. در ایران، جایی که سرمایه‌داری از مدت‌ها پیش، به شیوه تولید مسلط تبدیل شده است و برپائی انقلاب اجتماعی به نیاز مبرم جامعه تبدیل شده است، به علت عقب ماندگی اقتصادی، وابستگی اقتصادی به بازار جهانی سرمایه، بقایای متعدد نظامات ماقبل سرمایه‌داری در روبنای سیاسی که موانع عمده‌ای بر سر راه پیشرفت اقتصادی و بسط کامل و همه‌جانبه مبارزه طبقاتی پرولتاریا محسوب می‌شوند، ستم اقتصادی و سیاسی که بر میلیون‌ها تن از توده‌های مردم اعمال می‌شود و دیکتاتوری عریان و عنان‌گسیخته‌ای که به‌مثابه جزء لاینفک روبنای سیاسی سرمایه‌داری ایران، توده وسیع مردم را در ناآگاهی و انقیاد نگاه داشته است، وظیفه سیاسی فوری پرولتاریا، استقرار و تحکیم قدرت شورائی، اجرای بی‌درنگ یک رشته وظایف عمومی و همگانی در سطوح سیاسی، اجتماعی و رفاهی و نیز انجام اقداماتی است که روند انتقال به سوسیالیسم را تسهیل و تسریع نماید.

- بدین جهت سازمان فدائیان (اقلیت) وظیفه فوری انقلاب اجتماعی ایران را که با سرنگونی جمهوری اسلامی، درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی و برقراری حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان آغاز می‌گردد، اجرای بی‌درنگ موارد زیر می‌داند.

## ۱ - تثبیت و تحکیم حکومت شورائی

- حکومت شورایی که برآمده از قیام مسلحانه توده‌ها و تبلور اراده آن‌ها محسوب می‌گردد، یک دولت کارگری است که طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش از طریق آن، مستقیم و بی‌واسطه اعمال حاکمیت می‌کنند. از این رو در حکومت شورائی:

- تمام دستگاه بوروکراتیک برچیده خواهد شد و اعمال حاکمیت مستقیم توده‌های کارگر و زحمتکش از طریق شوراها که به‌مثابه نهادهای مقتنه و مجریه هر دو عمل می‌کنند، برقرار خواهد شد.

- سیستم انتصابی مقامات بر خواهد افتاد و انتخابی بودن کلیه مناصب و مقامات جایگزین آن خواهد شد. نمایندگان انتخابی هر لحظه که انتخاب کنندگان اراده کردند، قابل عزل خواهند بود. حقوق مقامات دولتی از متوسط دستمزد یک کارگر ماهر بیشتر نخواهد بود.

- ارتش، سپاه، نیروهای انتظامی، بسیج و کلیه نیروهای مسلح حرفه‌ای مجزا از مردم منحل خواهند شد، نظام وظیفه اجباری ملغا می‌گردد و تسلیح عمومی توده‌ای تحت اتوریتته شوراها جایگزین آن‌ها خواهد گردید.

- سیستم قضائی موجود منحل می‌گردد. دادگاه‌های خلق ایجاد خواهد شد. قضات انتخابی و قابل عزل خواهند بود.

- کنگره سراسری شوراها نمایندگان کارگران و شهروندان شهر و روستا عالی‌ترین ارگان حکومت شورائی خواهد بود.

\* سازمان فدائیان (اقلیت) خواستار آن است که حکومت شورایی بی‌درنگ موارد زیر را که خواست عموم توده‌های کارگر و زحمتکش و مردم ستمدیده ایران است، به مرحله اجرا درآورد.

## ۲ - تأمین و تضمین آزادی‌های سیاسی و حقوق دمکراتیک و مدنی مردم ایران

- برابری حقوق کلیه اتباع کشور مستقل از عقیده، نژاد، جنسیت، قومیت و ملیت. - حق رأی همگانی، برابر، مستقیم و مخفی برای تمام افراد زن و مرد که به سن ۱۸ سال رسیده باشند.

- آزادی نامحدود عقیده، بیان و نشر، آزادی مطبوعات، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، آزادی تشکیل و فعالیت احزاب و سازمان‌های سیاسی، اتحادیه‌های کارگری، شوراها و کلیه تشکل‌های صنفی و دمکراتیک، آزادی تجمع، تظاهرات و اعتصاب.

-مصونیت فرد و محل زندگی او. آزادی مسافرت، اقامت و شغل.  
-به رسمیت شناختن حقوق انسانی و پایه‌ای اقلیت‌های جنسی (دگرباشان جنسی)، ممنوعیت هرگونه تبعیض و نقض امنیت آن‌ها از طریق نفرت پراکنی و اعمال خشونت.  
-انحلال تمام دستگاه‌های تفتیش و سانسور، جاسوسی و شکنجه و ممنوعیت بی قید و شرط این اقدامات.  
-لغو مجازات اعدام.

### جدائی کامل دین از دولت و مدارس:

دولت باید خود را از قید هرگونه دین و مذهبی رها سازد. هیچ دین و مذهبی نباید مورد توجه دولت قرار گیرد. هرگونه امتیاز برای یک مذهب خاص و انحصار مذهب رسمی باید ملغا می‌گردد. هرگونه کمکی از بودجه دولت به نهادهای مذهبی باید مطلقاً ممنوع گردد. ذکر دین و مذهب افراد در اسناد و مدارک رسمی باید منسوخ شود. دین و مذهب امر خصوصی مردم اعلام شود. هرکس آزاد و مجاز باشد که دین داشته باشد یا نداشته باشد، به دینی بگردد یا از آن روی برگرداند.

- مدارس و آموزشگاه‌ها باید مطلقاً غیرمذهبی باشند. تدریس هرگونه امور دینی و انجام مراسم مذهبی در مدارس موقوف شود. مذهب و دستگاه روحانیت مطلقاً نباید هیچ گونه دخالتی در امور مدارس و برنامه‌های درسی و آموزشی داشته باشند.

### لغو تبعیض بر پایه جنسیت

- لغو هرگونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت و برخورداری زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان.  
- برخورداری زنان از حقوق و مزایای کامل برابر با مردان در ازای کار مساوی.  
- برخورداری آزاد و برابر زنان از امکان مشارکت در تمام شئون زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و دسترسی به تمام مشاغل و مناصب در همه سطوح.  
- لغو تمام قوانین و مقررات ارتجاعی مربوط به تعدد زوجات، صیغه، حق طلاق یک‌جانبه مرد، تکفل و سرپرستی فرزندان، قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز در مورد ارث، مقررات حجاب اجباری، جداسازی زن و مرد در مؤسسات و مراکز عمومی و تمام مقررات و اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه نظیر شلاق، سنگسار.  
- لغو حجاب اجباری، ممنوعیت هرگونه فشار و اجبار در مورد نوع پوشش زن. برخورداری زنان از آزادی انتخاب پوشش.  
- ممنوعیت هرگونه فشار، تحقیر، اجبار، اذیت و آزار و خشونت علیه زنان در محیط خانواده و اعمال مجازات‌های شدید در مورد نقض آن‌ها.  
- ممنوعیت ازدواج کودکان تا ۱۸ سال، کودک آزاری و اعمال مجازات‌های شدید در مورد نقض آن‌ها.  
- آزادی کامل زن در انتخاب شریک زندگی خود. روابط خصوصی زن باید از هرگونه تعرض مصون باشد.  
- به رسمیت شناخته شدن حق سقط جنین، بدون قید و شرط.  
- برابری حقوق زن و مرد در امر طلاق، ارث و تکفل اولاد.

### لغو ستم ملی و قومی

- برابری تمام ملیت‌های ساکن ایران و لغو فوری و بدون قید و شرط هرگونه ستم، تبعیض و نابرابری ملی، قومی، فرهنگی و نژادی.  
- لغو هرگونه امتیاز برای یک ملیت خاص. هیچ امتیازی به هیچ ملیت و زبانی نباید داده شود. تمام ملیت‌های ساکن ایران باید از این حق برخوردار باشند که آزادانه به زبان خود سخن بگویند، تحصیل کنند و در محل کار، مجامع و مؤسسات عمومی، نهادهای دولتی و غیره از آن استفاده نمایند.  
- لغو تقسیمات جغرافیایی و اداری موجود که توسط رژیم‌های ستمگر حاکم بر ایران، مصنوعاً ایجاد شده‌اند. مناطقی که دارای ترکیب و بافت ملی و جمعیتی ویژه‌ای هستند، باید محدوده‌های جغرافیایی و اداری خود را توسط شوراهای منطقه‌ای تعیین نمایند و از خودمختاری وسیع منطقه‌ای برخوردار باشند.  
- اداره امور مناطق خودمختار، بر عهده شوراهای منطقه‌ای منتخب خود مردم منطقه خواهد بود که بر مبنای اصل سانترالیسم دموکراتیک سازمان می‌یابند.  
- مردم مناطق خودمختار از طریق شوراهای منتخب خود، در کنگره سراسری شوراهای نمایندگان کارگران و زحمتکشان در تعیین سیاست‌های عمومی و مسائل مربوط به اداره امور سراسر کشور، مداخله خواهند داشت.  
- هرگونه الحاق و انضمام اجباری مردود است. اتحاد تمام ملیت‌های ساکن ایران باید داوطلبانه و آزادانه باشد.

### ۳ - اقدامات فوری اجتماعی و رفاهی عمومی

- برقراری یک سیستم تأمین اجتماعی جامع و کامل از گهواره تا گور.

- بهداشت و درمان رایگان، گسترش درمانگاه‌ها، بیمارستان‌ها، گسترش شیرخوارگاه‌ها، مهدکودک‌ها و مؤسسات آموزشی بهداشتی و پزشکی.

- آموزش رایگان و اجباری تا پایان دوره متوسطه، بهره‌مندی تمام دانش آموزان به هزینه دولت از غذا، پوشاک، وسایل تحصیل و ایاب‌وذهاب. برچیده شدن مانع کنکور دانشگاه‌ها تا هر کس بر حسب تمایل و استعدادش قادر به ادامه تحصیلات عالی رایگان باشد.

- دگرگونی بنیادی و انقلابی در نظام آموزشی موجود و اقدام فوری در جهت یک پیکار انقلابی به منظور ریشه‌کن کردن بی‌سوادی. برقراری نزدیکترین پیوند بین مدرسه و کار اجتماعی مولد، تلفیق آموزش نظری و عملی.

- ایجاد و گسترش مراکز ورزشی و پرورشی، ایجاد کلوپ‌های مختلف هنری و فرهنگی و دیگر مراکز و مؤسسات تفریحات سالم در جهت شکوفایی و رشد و اعتلاء جسمانی، معنوی و فرهنگی جوانان.

- تأمین مسکن و تعدیل اجاره‌ها. همه مردم ایران باید از مسکن مناسب برخوردار باشند. تحقق این خواست توده زحمتکش مردم نیازمند اجرای یک برنامه همه‌جانبه برای تولید انبوه مسکن است. مادام که مشکل مسکن به‌طور بنیادی حل نشده است، اجاره‌ها باید متناسب با سطح دستمزد کارگران تعیین و به مرحله اجرا درآیند و بخشی از هزینه‌های مسکن از طریق یارانه دولتی تأمین گردد.

- تأمین امکانات یک زندگی مناسب برای سالمندان، و کودکان بی‌سرپرست و ایجاد مراکز ویژه برای نگهداری آنان به هزینه دولت.

- ایجاد تسهیلات و امکانات ویژه، برای معلولان.

#### ۴ - اجرای مطالبات مشخص و فوری طبقه کارگر

- ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیل بی‌درپی در هفته، یک ماه مرخصی سالانه با پرداخت حقوق کامل.

- تقلیل ساعات کار روزانه کارگران معادن، صنایع و دیگر بنگاه‌هایی که با شرایط دشوار و مخاطره‌آمیز روبرو هستند به ۶ ساعت کار در روز و ۳۰ ساعت کار در هفته.

- تعیین حداقل دستمزد کارگران متناسب با سطح هزینه‌ها و تأمین معیشت یک خانواده ۴ نفره کارگری.

- افزایش پایه دستمزد کارگران متناسب با سطح هزینه‌ها هر سال یک‌بار.

- احتساب اوقات ایاب‌وذهاب، صرف غذا، سوادآموزی و حمام جزء ساعات کار.

- ممنوعیت کامل اضافه‌کاری.

- ممنوعیت سیستم پرداخت دستمزد به‌صورت جنسی و ممنوعیت قطعه کاری و کار کنتراتی.

- ممنوعیت شب‌کاری در تمام رشته‌های اقتصادی مگر در مواردی که به دلایل فنی یا رفاهی مطلقاً ضروری است و مورد تأیید تشکل‌های کارگری قرار گرفته باشد، آن‌هم حداکثر به مدت چهار ساعت.

- ممنوعیت کار کودکان.

- برخورداری زنان از حقوق و مزایای کامل برابر با مردان در ازای کار مساوی.

- مرخصی زنان باردار یک ماه قبل و شش ماه بعد از زایمان بدون کسر حقوق، با برخورداری از امکانات پزشکی، درمانی و دارویی رایگان.

- برخورداری زنان از تسهیلاتی چون شیرخوارگاه، مهدکودک، حق نگهداری و رسیدگی به نوزادان در محل کار. پدر و مادر یکسان می‌توانند از این تسهیلات برخوردار باشند. احتساب اوقات رسیدگی و سر زدن به نوزادان جزء ساعات کار.

- بهره‌مند شدن کارگران از حق اولاد.

- ممنوعیت کسر دستمزد به بهانه جریمه، خسارت، غیبت و غیره.

- ممنوعیت اخراج کارگران توسط کارفرما و برخورداری نمایندگان منتخب کارگران کارخانه از حق تصمیم‌گیری در مورد اخراج و نظارت بر امر استخدام.

- بیمه کامل اجتماعی کارگران: بیمه بیکاری، سوانح، نقص عضو، جراحت، کهولت، فرسودگی، امراض ناشی از حرفه و ازکار افتادگی.

- برقراری کنترل کامل و سازمان‌یافته بهداشتی بر کلیه بنگاه‌ها، ایمنی محیط کار، خدمات درمانی و بهداشتی رایگان و پرداخت کامل حقوق دوران بیماری.

- شرایط بازنشستگی برای مردان حداکثر ۵۵ سال سن یا ۲۵ سال سابقه کار، برای زنان حداکثر ۵۰ سال سن یا ۲۰ سال سابقه کار و در رشته‌هایی که با شرایط دشوار، مخاطره‌آمیز و زیان‌آور روبرو هستند حداکثر ۴۵ سال سن و یا ۲۰ سال سابقه کار.

- احتساب ایام بیکاری جزء سابقه کار کارگران.

- تنظیم مقررات و آیین‌نامه داخلی کلیه مراکز تولیدی با نظارت و تصویب نمایندگان کارگران.

- تدوین قانون کار با مشارکت، نظارت و تصویب تشکل‌ها و مجامع کارگری.

- ایجاد کار برای بیکاران و پرداخت حق بیکاری معادل مخارج یک خانواده ۴ نفره کارگری به کارگران بیکار.

- آزادی تشکل‌های کارگری و حق اعتصاب با پرداخت دستمزد کامل کارگران در دوران اعتصاب.
- تساوی حقوق کارگران کشاورزی، حرفه‌ها و امور خدماتی، با کارگران صنعتی.

#### ۵ - اقدامات عاجل برای دمکراتیزه کردن اقتصاد کشور به نفع کارگران و زحمتکشان و تسهیل شرایط برای گذار به سوسیالیسم:

- ملی کردن کلیه صنایع و مؤسسات متعلق به بورژوازی بزرگ، انحصارات امپریالیستی، مؤسسات و نهادهای مذهبی.
- ملی کردن بانک‌ها و تمرکز آنها در یک بانک واحد.
- ملی کردن شرکت‌های بیمه و تمرکز آنها در یک موسسه واحد.
- ملی کردن مؤسسات ارتباطی و حمل‌ونقل بزرگ.
- ملی کردن تجارت خارجی و توزیع برنامه‌ریزی‌شده کالاها از طریق تعاونی‌ها.
- ملی کردن زمین، مراتع، جنگل‌ها و همه منابع طبیعی و زیرزمینی.
- کنترل شوراهای کارگری بر تولید در کلیه صنایع، کارخانه‌ها و مؤسسات و نیز کنترل توده‌ای بر توزیع.
- الغاء اسرار بازرگانی به‌منظور اعمال یک کنترل واقعی بر تولید و توزیع.
- لغو تمام مالیات‌های غیرمستقیم و برقراری مالیات تصاعدی بر ثروت، درآمد و ارث.
- اجرای اقدامات فوری برای مقابله با بحران زیست محیطی.

#### ۶ - انجام اقدامات فوری به نفع دهقانان زحمتکش و افزایش سطح رفاه مردم روستاها

- مصادره فوری کلیه اراضی، املاک و ابزار و وسایل تولید ملاکین و زمین‌داران بزرگ، موقوفات و بنیادهای متعدد مذهبی.
- در مواردی که این اراضی به شیوه مکانیزه کشت نمی‌شوند، واگذاری آنها به دهقانان متشکل شده در تعاونی‌های دهقانی.
- کنترل شوراهای کارگران کشاورزی بر اراضی مکانیزه و به‌طورکلی زمین‌هایی که به شیوه عالی کشت می‌شوند.
- متشکل کردن دهقانان خرده‌پا در تعاونی‌ها و تشویق دهقانان به کشت جمعی و ایجاد واحدهای بزرگ کشاورزی به‌منظور صرفه‌جویی در کار و هزینه محصولات.
- لغو کلیه بدهی‌های دهقانان به دولت، بانک‌ها و کلیه مؤسسات مالی سرمایه‌داران، ملاکین و رباخواران.
- پرداخت وام به دهقانان و تأمین هرگونه کمک تکنولوژیک از قبیل ماشین‌آلات، کود، بذر و غیره.
- ایجاد و توسعه جاده‌ها، شبکه‌های آبیاری، آبرسانی و برق سراسری در روستاها.
- ایجاد و توسعه مراکز درمانی، بهداشتی و فرهنگی در جهت رفاه ساکنین روستاها.
- برخورداری کارگران روستا از شرایط و مزایای کارگران شهری.

\* سازمان فدائیان (اقلیت) وظیفه خود می‌داند که برای تشکل طبقاتی مستقل پرولتاریای روستا تلاش کند، تضاد آشتی‌ناپذیری را که میان او و بورژوازی دهقانی وجود دارد و نیز نیاز به یک انقلاب سوسیالیستی را توضیح دهد.

#### ۷ - سیاست خارجی

- سازمان فدائیان (اقلیت) در زمینه سیاست خارجی خواهان اجرای موارد زیر است:
- حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی از جنبش انقلابی طبقه کارگر در سراسر جهان.
- لغو رسم دیپلماسی سری و آگاهی عموم مردم از تمام مباحثات، مذاکرات، عقد قراردادهای پیمان‌ها با دولت‌های دیگر.
- لغو کلیه قراردادهای اسارت‌بار و خلاف منافع توده‌های مردم ایران و افشاء مفاد آنها برای آگاهی عموم مردم.

\* سازمان فدائیان (اقلیت) در راه مبارزه به خاطر مطالبات فوق‌الذکر از هر جنبش انقلابی که مخالف سیستم اجتماعی و سیاسی موجود ایران باشد، پشتیبانی می‌کند، اما در همان حال کلیه اقدامات فرمیستی را که متضمن تثبیت طبقه حاکم یا گسترش مداخلات پلیسی- بوروکراتیک در زندگی توده‌های مردم است، قاطعانه محکوم کرده و مردود می‌شمارد.

\* سازمان فدائیان (اقلیت) بر این عقیده تأکید دارد که تحقق مطالبات فوق‌الذکر تنها از طریق سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورایی به رهبری طبقه کارگر میسر خواهد بود.

مصوب کنفرانس اول سازمان فدائیان (اقلیت) - ۱۳۶۶  
چاپ ۱۴۰۰ - با اصلاحات کنفرانس هیجدهم سازمان



سازمان فدائیان (اقلیت)

[www.fadaian-minority.org](http://www.fadaian-minority.org)  
[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)